

بسم الله الرحمن الرحيم

۹۳/۰۱/۲۱

حدیث قرطاس و شبهه «قوموا عتی» در کلام پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

برنامه امامت و ولایت

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی دیده ی حق بین عطا کن

دلم را با حقایق آشنا کن

مگیر از من تولای علی را

تولای شهنشاه جلیل را

مرا عشق علی در سر نهان است

مدام نما او ورد زبان است

اشهد ان علیاً ولی الله

درد و سلام و ارادت خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند و دوست داشتنی شبکه ی جهانی ولایت، برنامه ی

زنده ی امامت و ولایت. حال و احوالتان چطور هست؟ خوبیید انشالله؟ سلامتید؟ سر حالید؟

امیدوارم هر کجا که هستید و نگاه مهربانتان را به سمت برنامه ی ما دوختید در ظلّ عنایت و توجهات حضرت حق و زیر سایه ی مرتضی علی زندگی بسیار خوب و خوش و آرامی را داشته باشید.

خیلی خوشحال هستیم که باز هم خدا عمری به ما داد، توفیق داد، در برنامه ی زنده ی امامت و ولایت خدمت شما برسیم و انشالله هم صدای قشنگ شما را بشنویم در برنامه و هم پیامک های سراسر عشق و مهربانی شما را دریافت بکنیم

و خیلی هم خوشحال می شویم که به ما کمک بکنید نظر بدهید، اگر دوستانم زحمت بکشند پیامک شبکه ی جهانی ولایت را هم زیرنویس بکنند. بله آقای کیای عزیز زحمت کشیدند ۳۰۰۰۱۲۰۳ آن پیامک پایین هم ظاهرا پیامک جهانی، بله عزیزان خارج از کشور هم می توانند از این طریق پیامک بفرستند پس خیلی خوب شد چون من مطلع نبودم.

عزیزانی که در ایران اسلامی هستند ۳۰۰۰۱۲۰۳ در هر کجا که هستند می توانند برای ما پیامک بدهند و عزیزانی که خارج از کشور هستند با شماره و عدد پایین می توانند پیامک بدهند و خیلی خوشحال می شویم که پیامک های شما را دریافت بکنیم، هم در خصوص برنامه ی ما و همچنین اگر نظر، پیشنهاد یا انتقادی و یا حرف دلی هم داشتید می توانید با ما در میان بگذارید.

همان طور که می دانید برنامه ی زنده ی امامت و ولایت به این شکل هست که ما انشالله دقایقی در محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی خواهیم بود و طبق برنامه های گذشته مان، چون ایام فاطمیه قدری موضوع ما تغییر کرد.

اما قبل از ایام فاطمیه بحث حدیث قرطاس را مورد بحث و بررسی قرار داده بودیم و شبهات و اشکالاتی که گاهی گوشه و کنار مطرح می شود از زبان استاد جويا بودیم و می شنیدیم و بعد از آن هم ما یک سری سوال مطرح می کنیم در واقع حالا اجازه بدهید که من همین ابتدای برنامه هم برای این که ذهن شما آماده بشود،

چه عزیزان شیعه ما، چه عزیزان اهل سنت ما، می توانند به یکی از هفت سوال ما پاسخ بدهند و بعد از این که سوال را جواب دادند، می توانند سوالی را هم مطرح بکنند.

من خیلی سریع سوالتان را عرض می کنم جهت این که ذهن شما هم آماده بشود سوالات ما این هست. حالا چه عزیز شیعه، چه عزیز اهل سنت، تفاوتی نمی کند یکی از هفت سوال را می تواند انتخاب بکنند و پاسخ بدهند.

۱. مراد از حدیث قرطاس چیست؟ سوال اول ما.

۲. هدف رسول گرامی اسلام از نوشتن این نامه چه بود؟

۳. برخورد صحابه نسبت به درخواست رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه بود؟

۴. چه کسانی به رسول اکرم جسارت کرده و نسبت هذیان دادند؟ و هدف آنها چه بود؟

۵. آیا نسبت هذیان با عصمت رسول گرامی اسلام منافات ندارد؟

۶. عکس العمل رسول گرامی اسلام نسبت به برخورد زشت این افراد چه بود؟

۷. این برخورد صحابه از منظر قرآن و سنت چگونه ارزیابی می شود؟

این هفت سوالی است که ما به مشارکت می گذاریم جهت این که شما عزیزان بیننده هم با ما همراهی بفرمایید و می توانید یکی از هفت سوال ما را پاسخ بدهید.

اما امشب توفیق داریم بعد از مدتی که در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی نبودیم و مختصر کسالتی که داشتند که الحمدلله، خدا را شکر برطرف هم شده است و کمی هم البته کسالت دارند ولی باز توفیق

پیدا کردیم در برنامه ی زنده ی امامت و ولایت خدمت استاد بزرگوار باشیم. خدمتتان سلام عرض می کنم
حضرت استاد، برایتان آرزوی سلامتی و عافیت کامل دارم خیلی خوش آمدید.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. بنده هم همچین خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی
در هر کجای این کره ی خاکی ما را مهمان کانون گرمی و با صفای خانواده ی خودشان قرار داده اند و چشمان
پر محبتشان را به طرف این برنامه مبذول کرده اند خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم، موفقیت یکایک شما
بینندگان عزیز را از خدای مٔان خواهانم.

خدا را به آبروی بهترین خلایقش محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) سوگند می دهم همه ی شما
گرامیان را حاجت روا نموده، هر گونه گرفتاری در زندگی شما هست، برطرف کند، دعاها ی شما را به اجابت
برساند، مشروط بر این که ما را هم در دعای خیرتان سهیم کنید انشالله.

مجری:

خیلی ممنون و سپاسگزارم. من خودم به شخصه خوشحال هستم که امشب در محضر شما هستم و الحمدلله
رفع کسالت شده و آرزو می کنیم انشالله کسالت به طور کامل برطرف بشود و انشالله بتوانیم در برنامه های
دیگر هم در محضر شما باشیم.

جناب استاد ما در برنامه ی امامت و ولایت، خوب قبل از ایام فاطمیه، خدمت عزیزان بیننده هم عرض کردم
بحثمان، حدیث قرطاس بود.

همه ی با این موضوع آشنا هستند که روزهای پایانی عمر پیغمبر گرامی اسلام، حضرت عده ای جمع بودند،
فرمودند که قلم و دوات و کاغذ بیاورید تا چیزی را برای شما بگوییم که هرگز گمراه نشوید، چیزی را برایتان

بنویسم که حالا آنجا بودند افرادی که نسبت هذیان دادند به پیغمبر گرامی اسلام، و وقتی که پیامبر این شرایط را دیدند و اختلافات و صحبت هایی که بعد از گفتن آن نسبت هذیان در آن جمع اتفاق افتاد خوب پیغمبر فرمودند «قوموا عنی.»

یعنی آن گروه و کسانی که آنجا بودند همه را از خانه بیرون کردند و گفتند که همه از خانه بیرون بروید. بعضی از اشکالاتی که حالا اینجا مطرح هست، این هست که این لفظ «قوموا عنی.» که حالا با توجه به آن اخلاق حسنه ای که از پیغمبر گرامی اسلام داریم و اخلاق و عادات حسنه ای که ایشان داشتند آیا خلاف عادت، روش و منش پیغمبر هست یا خیر؟ می خواهم این را توضیح بفرمایید و این شبهه ای که گاهی گوشه و کنار مطرح می شود پاسخ بفرمایید.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين وهو خير ناصر ومعين. الحمد لله والصلاة علي رسول الله وعلي آله آل الله لاسيما علي مولانا بقية الله واللعن الدائم علي اعدائهم اعداء الله الي يوم لقاء الله. أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ نعم المولى و نعم النصير. اللهم عجل لوليک الفرج و انصر و العافية، يا اباصالح المهدي ادرکنا.

همان طوری که عزیزم جناب آقای اسماعیلی اشاره کردند یکی از مسایلی که واقعا در آخر عمر نبی مکرم اتفاق افتاد و موجب غمگین شدن نبی مکرم، شکستن قلب مقدسش شد، و در آخرین لحظات با ناراحتی از امت خداحافظی کردند، همین قضیه حدیث قرطاس هست. که ما مفصل قضایا را نقل کردیم و در گوشه و کنار شبهاتی را بعضی ها مطرح می کنند ما برای این که این قضیه کاملاً روشن و واضح بشود.

حتی اگر شبهات این ها به گوش خیلی ها نرسیده است شبهات را ما خودمان می رسانیم. ولی جواب قاطع، کوبنده و محکم تقدیم می کنیم، هم جوابی برای آنها باشد و هم عزیزان شیعه ی ما که پای گیرنده ها نشسته اند اگر کسی هم همچین شبهاتی را مطرح کرد، همچین سوالی را طرح کرد توانایی پاسخگویی داشته باشند.

خدا را هم شاکر هستیم که یکی از بهترین نعمت ها را به ما کرم نمود و زیباترین توفیق را قرین ما کرد که ما توانستیم در این مدت عزیزان شیعه ما را با معارف اهل بیت و با ولایت استدلالی و برهانی آشنا کنیم.

که من واقعاً مرتب دوستان برای من از داخل و خارج زنگ می زنند مخصوصاً آن برنامه ی غنچه های ولایت، که واقعاً کولاک کرده، شیعیان مایه ی خوشحالیشان را فراهم کرده، یعنی واقعا خیلی از دوستان، از خوشحالی در پوستشان نمی گنجند که بچه ی هشت ساله، نه ساله دارد برای امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمومنین از قرآن و سنت با استدلال قوی، محکم، استدلال می کند که آدم تصور می کند بر این که علامه امینی، میر حامد حسین، شیخ مفید زنده شده است و دارد استدلال می کند.

و واقعا اینها لرزه بر اندام این وهابی ها می اندازد حتی بارها هم تو برنامه هایشان خلاصه کم و بیش گفته اند که این ها بچه هایشان یاد داده اند، چنین و چنان. الحمدلله الان اگر قبلا ما می گفتیم با ما مناظره کنید یا با شاگردهای ما یا با بیننده ها، باید دیگر بعد از این بگوییم آقا بیاید با کودکان شیعه و این فرزندان هشت، نه ساله بیاید.

با شیربچه ها بیاید شما مناظره کنید. حالا انشالله در آینده یک برنامه ای انشالله در خدمت همین غنچه های ولایت هستیم. انشالله از برنامه های این ها هم به حول و قوه ی الهی استفاده می کنیم و بینندگان عزیزمان، استفاده می کنند.

من باز به همه ی پدران و مادران گرامی که پای گیرنده ها نشسته اند توصیه می کنم همان جمله ای که امام صادق (سلام الله علیه) فرمود که تعدادی از شاگردانش را فرستاده بودند برای تبلیغ معارف دینی، که برگشتند و گفتند آقا یک مقداری استقبال خیلی زیاد نبود حضرت فرمود

«علیک بالاحداث»

سراغ جوان ها، نوجوان ها بروید.

حالا پیرمردها این ها عزیز ما هستند، تاج سر ما هستند. مایه ی فخر ما هستند، احترام این ها برای همه ی ما واجب هست.

«الشیخ فی قبیلته کالنبی فی قومه»

پیرمردها در میان قبیله ی خودشان همان احترام پیامبران در قوم خودش دارد.

این ها برای ما عزیزند. ولی خوب دیگر، حالا پیرمردها، ما هم جزو پیرمردها از ما دیگر گذشته است. این آینده، سنگرها را باید به این جوان ها و نوجوان ها انشالله حفظ کنند این را داشته باشید عزیزان هر یک جمله ای که برای فرزندانمان آموزش می دهید یقین بدانید لبخندی بر سیمای نازنین صدیقه ی طاهره اولین شهیده ی راه ولایت می نشانید.

وقتی کودکان شما این مباحث ولایی استدلالی را یاد می گیرند یقین بدانید نظر ویژه و لطف و عنایت امیرالمومنین اولین مظلوم عالم به طرف شما متوجه می شود آقا ولی عصر برای شما یقین بدانید دعا می کند.

انشالله این برنامه ها، امیدواریم خدای عالم به ما توفیق بدهد تا ظهور حضرت انشالله ادامه بدهیم و این ها جزو زمینه سازان ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشد انشالله. و مرضی حضرت ولی عصر (سلام الله علیه) باشد.

در رابطه با این قضیه ی شبهاتی که مطرح کرده بودند در همین سایت برای شما عرض کنم سنی آنلاینی که متعلق به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم مکی زاهدان هست که خوب، به قول این ها به ظاهر، حالا ما کاری با آن نداریم به عنوان اهل سنت می آیند ولی در خیلی موارد همان حرف سلفی ها و وهابیت را مطرح می کنند

ولی این که بحث، بحث علمی باشد ما استقبال می کنیم و خیلی خوشحال می شویم که بیایند بحث های علمی مطرح کنند اشکالات علمی، بدون فحش و اهانت و جسارت، ما کاملاً از این طور اشکالات استقبال می کنیم دوستان هم می بینند ما، تقریباً ده، پانزده جلسه برنامه مان را اختصاص دادیم به شبهاتی که این آقایان در این سایتشان مطرح کردند. این دیگر من گمان می کنم نهایت، خلاصه چیزی است که ما می توانیم ثابت کنیم که ما از انتقادات به قول ولو به ظاهر علمی هم باشد استقبال می کنیم.

شبهه «قوموا عتی» در حدیث قرطاس

این آقای است به نام احمد گلستانی که یک مقاله ای گذاشته اند اینجا که می گوید لفظ «قوموا عتی» خلاف عادت و اخلاق آن حضرت می باشد، کسی که رحمت للعالمین است و خداوند در وصف وی می فرماید:

{ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ }

پیامبر اگر بداخلاق بودی همه از اطراف تو پراکنده می شدند.

چگونه اصحابش را از محفل خارج می کند؟

من گمان می کنم اگر الان به همین بچه های هشت، نه ساله این را بدهیم با توجه به اطلاعاتی که پیدا کردند خیلی راحت می توانند این را جواب بدهند یعنی شاید نیازی به چیز نباشد.

در اینجا عزیزان دقت کنند نبی مکرم که یک وجود نستجیر بالله انسانی نبود که هیچ نفی و اثباتی در وجودش اثر نگذارد. در برابر کارهای نادرست عصبانی نشود، غضبناک نشود. اگر پیغمبر از یک چیزی خوشحال می شود، قطعاً او روح دینی دارد رنگ دارد، اگر غضبناک هم می شود باز غضب حضرت رنگ و بوی دینی دارد.

عزیزان دقت کنند عبارتی را که ثعلبی نقل می کند (متوفای ۴۲۷) از قول عایشه ام المومنین می گوید

« ما غضب رسول الله غضباً ينتقم من أحد لنفسه قط.»

پیغمبر اگر غضبناک می شد به خاطر مسائل شخصی غضبناک نمی شد.

یعنی مثل ماها نبود که مثلاً اهانت بکنند یا یک مسئله ای بگویند یا پولش را ببرند، حقش را بخورند. به خاطر حق خودش، بخواهد چکار بکند غضبناک بشود، گرچه حق او هم، حق الله است. و چیزی نبود در غضب بخواهد برای خودش انتقام بگیرد.

« الا ان يكون شيئاً هو لله سبحانه.»

اگر چنانچه پیغمبر اکرم غضبناک می شد برای خدا غضبناک می شود.

« فيغضب لله سبحانه و تعالى و ينتقم.»

اگر غضبناک می شد، خشمناک می شد پیغمبر برای خدا، خشمناک می شد. اگر هم انتقام می گرفت برای خدا انتقام می گرفت.

الكشف والبيان (تفسير الثعلبي)، اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الإمام أبي محمد بن

عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي؛ ج ۱۰، ص ۳۳۹

مثل همان قضیه ی صدیقه ی طاهره که خودش فرمود:

« فَمِنْ اغْضِبْهَا، فَقَدْ اغْضَبْنِي. »

هر کس زهرا را به غضب بیاورد من را به غضب آورده است.

این را دیگر تمام بچه های ما هم حفظ کرده اند صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰، حدیث ۳۷۱۴، و این کاملا مشخص هست و اگر می آید چون غضب و رضایت حضرت زهرا برابر با غضب و رضای حق تعالی است.

در روایت صحیحی که آقای حاکم نیشابوری در مستدرک ج ۳، ص ۱۵۳ آورده است پیغمبر فرمود

« یا فاطمه ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک. »

خدا با غضب تو غضبناک می شود، خدا با رضایت تو راضی می شود.

پس وقتی خدای عالم از غضب زهرا غضبناک می شود پیغمبر هم از غضب زهرا غضبناک می شود. یعنی غضب پیغمبر غضب خداست، رضایت پیغمبر رضایت خدای عالم هست. این دیگر خیلی واضح و روشن هست. در آیه ی ۵۷ سوره ی احزاب هم تکلیف کسانی که موجب ایدای نبی مکرم هستند آنجا دیگر کاملا روشن کرده است.

مجری:

اصلا کاری که خلاف امر خدا و خلاف دین اسلام انجام می شود این غضب، غضب شایسته هست در واقع.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، بله، یعنی کسی مثلا می بینی کسی دارد دروغ می گوید، یک کسی دارد، ظلم می کند، به سرش داد بکشد غضبناک بشود، این غضب، غضب برای الله هست. یا مثلا شما ببینید جناب صفدی از علمای باز بزرگ اهل سنت هست (متوفای ۷۶۴) هست. از عایشه می گوید در رابطه در اخلاق پیغمبر سوال کردند.

«قالت كان خلقه القرآن.»

اخلاق پیغمبر اخلاق قرآن است.

« يغضب لغضبه و يرضى لرضاه.»

به خاطر قرآن و به خاطر الله غضبناک می شود و به خاطر الله و قرآن راضی می شود.

بعد می گوید

« و لا ينتقم لنفسه و لا يغضب لها الا أن تنتهك حرمت الله.»

پیغمبر اگر می دید حرمت الهی، احکام الهی مورد هتک قرار می گیرد. آن جا دیگر غضبناک می شد.

«فيغضب لله.»

الوافي بالوفيات، اسم المؤلف: صلاح الدين خليل بن أيبك الصفدي، دار النشر: دار إحياء التراث - بيروت -

١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م، تحقيق: أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى؛ ج ١، ص ٧١

اگر دید یک جا محرمات و واجبات و شرایع مورد هتک حرمت می شود قطعا آنجا غضبناک می شد. نمی تواند غضبناک نشود.

یا در روایتی که جناب ابن عاشور دارد می گوید

« ما انتقم رسول الله لنفسه قط الا أن تنتهك حرمت الله فيغضب لله.»

بعد ایشان می گوید

« و تخلق الامة بهذا الخلق مرغوب فيه.»

اگر امت هم این ویژگی را از پیغمبر اکرم داشته باشند به خاطر خدا غضبناک بشوند نه به خاطر شخص خودشان، به خاطر رضای خدا، و به خاطر غضب خدا، غضبناک بشوند.

آقا یک کسی نماز نمی خواند اول نصیحت، موعظه، قهر کردن و بعد بر سرش داد زدن، غضبناک شدن. کسی را دارد حق دیگری را ضایع می کند، شرایع الهی را زیر پا می گذارد. خوب در اینجا غضبناک شدن، در حقیقت نه تنها مورد مذمت نیست بلکه «مرغوب فیه» هست.

کلمه ی «مرغوب» یک جمله ای است اگر با «عن» متعدی بشود یعنی معنای بد می دهد یعنی اعراض و برای شما عرض کنم بد آمدن و کراهت. با «فیه» متعدی بشود به معنای تمایل هست. یعنی یک چیزی هست که مورد مدح هست. انسان باید رغبت پیدا کند، علاقه پیدا کند بر این که اخلاق پیغمبر را در خودش چکار کند؟ احیاء کند.

پس این آقایان که می گویند نمی دانم این از اخلاق پیغمبر بعید هست، نمی دانم { اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ } یا « وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ » این آقایان ظاهرا خیلی زیاد با کتاب های خودشان هم انس ندارند. فقط به قولی بلد هستند به قول ام المومنین عایشه، حداقل روایتی که ما الان امشب از سه تا، چهار تا بزرگانشان از خود عایشه نقل کردیم در رابطه با غضب پیغمبر، این مسئله، مسئله ی طبیعی هست.

مجری:

درسته، حالا استاد وقتی نگاه می کنیم، قدری تفکر و تأمل می کنیم و می رویم جستجو می کنیم، می بینیم آن غضبی که پیغمبر گرامی اسلام در این قضیه داشته اند و بیرون کردن صحابه از منزل، دارای یکسری معیارهایی بوده، یکسری اصولی بوده است.

علت اصلی غضب پیغمبر اکرم در داستان حدیث قرطاس

حالا این را دوست دارم از زبان شما امشب یک کمی باز بکنید آن معیارهایی که پیغمبر مکرم اسلام به آن عنایت و توجه داشته اند و بر اساس رفتاری که صحابه در اطراف پیغمبر انجام دادند باعث شد که حضرت به آنها غضب بکند و ایشان را در واقع از منزلشان بیرون کند. این معیارها را هم کمی باز بفرمایید.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، سوال قشنگی کردید به نظر اگر دوستان عزیز دقت بکنند که در همین قضیه ی قرطاس پیغمبر غضبناک شد ناراحت شد آنها را از خانه شان بیرون کرد. «قوموا عتی» از خانه ی من بروید بیرون. و به ظاهر هم حرف این آقا می آید به ذهن، پیغمبری که قران می گوید { إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ } در اخلاق خلاصه بالاترین مرتبه را رسیده است « بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخُلُقِ ». هدف رسالت هم همین قضیه ی این هست که پیغمبر اکرم اخلاق اسلامی را در جامعه چکار کند؟ احیاء کند. خوب با توجه به این، ببینیم در این قضیه ی قرطاس چه معیارهایی بود؟ چه ملاک هایی بود که پیغمبر «یغضب لله» برای الله غضبناک شد و آن ها را بیرون کرد؟

دوستان مانیتور من را محبت کنند. ببینید رسول گرامی (صلی الله علیه و اله و سلم) وقتی می گوید کاغذی، قلمی بیاورید چیزی بنویسم

«لن تضلوا بعده.»

دیگر بعد از آن گمراه نشوید.

این در حقیقت می خواست یک دستور اساسی و ریشه ای بدهد امت اسلامی را برای همیشه از گمراهی مصون کند در صحیح بخاری حدیث ۵۶۶۹ خود آقایان هم همین را فهمیدند

« منهم من يقول »

بعضی از صحابه می گفتند

« قریو یکتب لکم النبی کتاباً لن تضلوا بعده. »

این سخن پیغمبر نیست، سخن صحابه هست. می گوید بابا

قلم و کاغذ بیاورید پیغمبر بنویسد چیزی را که هرگز دیگر امت گمراه نشود.

« و منهم من یقول ما قال عمر. »

بعضی از آنها همان حرف عمر را می گفتند.

که آقا نه. نمی خواهد پیغمبر نستجیر بالله هذیان دارد می گوید، نمی دانم. حسبنا کتاب الله و امثال این .

خوب این ها آمده اند با چنین دستور مهم و اساسی مخالفت کردند، زمینه ی ضلالت را فراهم کردند. لذا پیامبر گرامی به خاطر مخالفت با این امر مهم الهی غضبناک شد و آن ها را از خانه بیرون کرد.

یعنی پیغمبر می گوید بنویسم امت گمراه نشود. این ها می گویند نه بنویسد امت گمراه بشود. پیغمبر احساس می کند یک کار الهی و کار اساسی، نه یک کار کوچک مربوط به نماز و روزه و حج و زکات نیست، بحث، بحث هدایت و ضلالت امت هست و لذا اگر نبی مکرم غضبناک می شود از خانه بیرون می کند این غضب حضرت برای الله هست.

نکته ی دوم، بحث، بحث وحدت و اختلاف هست. خوب نبی مکرم به خوبی می داند در آینده، آنچه که می آید امت اسلامی را می پاشد، مشکلات درست می کند، اختلاف و درگیری هست. خود حضرت هم فرمود که همان طوری که امت عیسی اختلاف داشتند، امت موسی اختلاف داشتند، امت من هم اختلاف خواهند کرد. پیغمبر فرمود:

« تختلف امتی علی ثلاثة و سبعین کلها فی النار الا فرقة واحد. »

آقایان مراجعه کنند کتاب صحیح ترمذی ج ۳، ص ۱۴۳؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۶، ص ۱۰۹، مفصل این قضیه آمده است و لذا پیغمبر اکرم می خواهد چکار کند از این مشکل اساسی که اختلاف امت هست چکار کند؟ چیز بنویسد، جلوی اختلاف امت را بگیرد، زمینه ی وحدت امت اسلامی را فراهم کند و لذا شما می بینید در عبارتی که در معجم کبیر هست می گوید

«اكتب لكم كتاباً لا تختلفوا بعدى ابدأ.»

من یک چیزی می نویسم این نوشته ی من باعث می شود که هرگز دیگر شما.

نه، اختلاف نکنید. خیلی عجیب هست، اختلاف نکنید. یعنی امری مهم تر از این، یا عبارت احمد بن حنبل این است که

« لما حضر رسول الله (صلى الله عليه [و آله] و سلم قال ائتوني بكتف اكتب لكم فيه كتاباً لا يختلف منكم رجلاً بعدى.»

حتی دو نفر با هم اختلاف نکنند. ببین، از این مهم تر. دیگر بهتر از این؟ شما ببینید کدام یک از فرایض اسلامی همچین تأثیری در جامعه دارد؟ همچین خاصیتی دارد؟ همچین ویژگی دارد؟ که می گوید من می خواهم چیزی بنویسم که هرگز دو نفر با هم اختلاف ندارند.

این آقایان باید به جای یک نامه، آنهایی که آنجا بودند هر کدام باید می رفتند تمام زندگیشان را می کردند کاغذ و قلم. وجودشان را می کردند کاغذ و قلم. یا رسول الله بیا پیشانی ما، بیا صورت ما، بیا کف دست ما، سینه ی ما بنویس.

یعنی تمام وجودشان را می کردند قلم و کاغذ برای پیغمبر. از این مهم تر، از این اساسی تر. واقعا جای تأسف هست انسان باید برای مظلومیت رسول اکرم اشک بریزد.

در برابر گفته اند:

« فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ فِي لَعَطِهِمْ »

شروع کردند داد و بیداد کردند.

«لغط» را هم معنا کردند آقایان. «لغط» یعنی حرف های چرند و پزند، حرف های بی اساس، حرف های بی

معنا، داد و بیداد. بعد می گوید

«فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ وَيَحْكُمُ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ.»

یک خانمی آمد، گفت وای بر شما پیغمبر دارد می گوید قلم و کاغذ بیاورید.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة – مصر؛

ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۲۶۷۶

البته بعد خوب به آن خانم هم اعتراض کردند.

اینها عبارتی است که طبرانی دارد این عبارت را، که از خود عمر بن خطاب می گوید وقتی پیغمبر مریض شد

گفت قلمی، کاغذی بیاورید من کتابی بنویسم گمراه نشوید

« فكَرِهْنَا ذَلِكَ أَشَدَّ الْكَرَاهَةِ »

از این بدمان آمد پیغمبر که می خواهد یک چیزی بنویسد ما گمراه نشویم.

حالا من نمی دانم چی بگویم.

«فَقَالَ النِّسْوَةُ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ.»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة - ١٤١٥،

تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني؛ ج ٥، ص ٢٨٨، ح ٥٣٣٨

این کتاب معجم الاوسط طبرانی هست، طبرانی (متوفای ٣٦٠) هست. جزو متقدیم از علمای اهل سنت هست. عبارت هم از خود خلیفه ی دوم هست. زنها از پشت پرده گفته اند که آیا شما نمی شنوید پیغمبر چی دارد می گوید؟

خلیفه ی دوم می گوید من گفتم شما جزو همان مثل دلباخته های یوسف هستید، که این توهین به همسران پیغمبر هست. وقتی که پیغمبر مریض می شود چشمتان آبغوره می ریزد. چشم غوره می گیرد. چی می گوید؟ تعبیرش چی هست؟ بله، آبغوره می گیرید. چشم هاتان همین طور قطرات اشک می ریزد.

« و اذا صح رکبتن عنقه.»

پیغمبر خوب می شود به گردنش سوار می شوید.

من نمی دانم این آقایان که این همه توی شبکه هایشان فریاد می زنید که شما به امهات مومنین توهین می کنید. چنین و چنان، حداقل بفرمایید. پیغمبر اکرم فرمود که

«دعوهن؟ فانهن خیر منکم.»

این زن ها از شما بهتر می فهمند.

ببینید این تعبیری است که این آقایان. این نکته ی دوم.

نکته ی سوم در اینجا. ببینید ما از علمای اهل سنت نقل کردیم گفتند پیغمبر اکرم می خواهد چی چیزی بنویسد؟ نماز، که نماز همچین خاصیتی ندارد «لن تضلوا بعده.» زکات، حج، جهاد، تمام این ها نوشته شد.

نیازی نیست که پیغمبر دیگر بنویسد می خواهد یک چیز جدیدی بنویسد روشن کند. خوب بزرگانشان گفته اند بر این که مراد پیغمبر این بود اسامی خلفای بعد از خودش را چکار کند؟ بنویسد.

خود شهرستانی هم می گوید

« ما سلّ فی الاسلام سیف مثل ما سل فی الامامة. » قریب به این عبارت،

در اسلام به این اندازه ای که در بحث امامت شمشیر کشیده شده، و آدم کشته شده، در هیچ امری همچین شمشیری کشیده نشده است.

خوب پیغمبر اکرم می خواهد چکار کند می گوید آقا خلفای بعد از من این ها هستند. خلفای بعد از من که فرمود دوازده نفر هستند، سر و صدا کردند. نگذاشتند صدای پیغمبر به گوش مردم برسد. پیغمبر اکرم می خواهد چکار کند؟ این قضیه را بیاید بنویسد.

حدیث ۴۵۹۸ صحیح مسلم دقیقا ۴۵۹۸ صحیح مسلم، پیغمبر گفت خلفای بعد از من دوازده نفر هستند اینجا می خواهند چکار کند؟ آن دوازده نفر اسامی اش را بنویسد. عزیزان خوب این را قبلا ما مفصل توضیح داده ایم که سفیان بن عیینه که از ائمه ی اهل سنت هست، از بزرگان اهل سنت هست که ابن حجر عسقلانی از قول امام شافعی می گوید:

«لولا مالک و سفیان لذهب علم الحجاز.»

اگر مالک و سفیان نبود علم حجاز نابود می شود.

« سفیان امام فی الحدیث »

جزو ائمه حدیث هست.

و احمد بن حنبل می گوید کسی از فقها عالم تر به قرآن و سنت از سفیان بن عیینه بهتر پیدا نکردم. همین سفیان به عیینه می گوید:

« اراد أن ینص علی أسامی الخلفاء بعده. »

پیغمبر می خواهد در حدیث قرطاس این خیلی روشن هست بارها ما گفته ایم، دوستان عزیز، برادران گرامی، ما نمی دانیم آقای سفیان بن عیینه برای شما عرض کنم جزو کسانی هست که در صدر اسلام بوده اند این ها، کاملاً امام در حدیث هست، امام در حدیث هست.

ایشان می آید می گوید آقا مراد پیغمبر این بوده که می خواست اسامی خلفه را چکار کند بیان کند. شاید آقای سفیان روایت خاصی داشت در این زمینه، چون همه ی روایاتش به دست ما نرسیده است.

آقای بخاری آمده است صحیحش را که دو هزار و هفتصد و خرده ای روایت بیشتر ندارد بعد از حذف مکررات، می گوید من از میان ششصد هزار روایت انتخاب کرده ام. شاید در میان ششصد هزار روایت ده تا، بیست تا روایتی بوده هدف پیغمبر را معین کرده است یا بخاری می گوید من یکصد هزار روایت صحیح و یکصد هزار روایت غیر صحیح حفظ کردم.

حالا این غیر صحیح را برای چی حفظ کرده بوده، ما نمی دانیم. ولی این که آیا ایشان یکصد هزار روایت صحیح حفظ کرده بوده و در اینجا فقط سه هزارتایش را آورده است نود و هفت هزار روایت صحیح، نزد آقای بخاری بوده، نیاورده است.

بعضی از آقایان می گویند ما فقط بخاری و مسلم را قبول داریم ظاهراً این آقایان از مبانی خودشان هم بی خبر هستند اصلاً سر در نمی آورند یک چیزهایی شنیده اند از همین برای شما عرض کنم افراد عادی، آن وقت می آیند توی شبکه می خواهند یک برنامه ی، یک مسئله ی خیلی زشتی را که واقعا به ضررشان هست.

خوب این آقای سفیان، شاید در میان صدهزار روایتی که آقای بخاری حفظ بوده است ده تا، بیست تا روایتی بوده که پیغمبر فرموده است من بنویسم اسامی خلفای بعد از خودم را، که بعد از من دیگر گمراه نشوید و بعد از من دیگر اختلاف نکنید. ولی این آقایان نیاورده اند در این سندها. یا ابن حجر همین تعبیر را دارد، قسطلانی دارد که:

«اكتب لكم كتابا فيه النص على الائمة بعدى.»

امامان بعد از خودم را می خواهم انتخاب کنم.

خوب این آقایان اگر علم غیب دارند مال خودشان هست. مدرکی و مستندی دارند مال خود شما هست. می گویند مال بد بیخ ریش صاحبش.

احمد امین مصری هم از نویسندگان معاصر هست. از بزرگان ازهری شما هست. ایشان هم می آید در این کتاب یوم الاسلام، می گوید

«و قد أراد.»

با کلمه ی «و قد»

به تحقیق، به یقین، پیغمبر اراد کرده بود در آن بیماری اش

« أن يعين من يلي الامر من بعده.»

آن کسانی که بعد از او امر امامت را به دست می گیرند این ها را می خواست.

ترجمه سفیان را هم که ما مفصل برای عزیزان آوردیم این یک نکته.

نکته ی دیگر که من می خواهم در تأیید فرمایش سفیان بن عیینه یک نکته ی را بگویم که البته ما بارها گفته ایم ولی آقایان خوب، قشنگ دقت کنند چون مطالبی را ما بعضاً تکرار می کنیم همان مثل { « فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ » } که کاملاً فرهنگ بشود در ذهن.

ببینید ما عقیده مان این است که پیغمبر اکرم می خواهد مسئله ی امامت امیرالمومنین و امامت فرزندان او را معین کند و این که می گوید: « لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي. » یا « لَا يَخْتَلِفُ بَعْدِي رِجَالٌ » و غیره. در روایات دیگر هم هست. شاید هم آقای سفیان بن عیینه از همین روایت ها استفاده کرده است. شما ببینید این بخشی که ما داریم عرض می کنیم عبارت احمد بن حنبل هست. پیغمبر اکرم فرمود:

« وَ ان تَوَمَّرُوا عَلَيَّ. »

اگر علی را امیر خودتان قرار دهید ولی امرتان قرار دهید.

گرچه می دانم نمی کنید.

«تجدوه هادياً مهدياً يأخذ بكم الطريق المستقيم.»

هم هدایت شده است، هم هدایتگر هست. تمام شما را به صراط مستقیم می رساند.

بابا همینی که هر روز ما داریم می گویم: { اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ } تنها کسی که می توانست ما را، امت اسلامی را به صراط مستقیم برساند امیرالمومنین هست.

این هم دیگر کافی و تهذیب و بحارالانوار نیست، مسند احمد بن حنبل هست که آقایان می گویند تمام روایات مسند احمد معتبر هست و صحیح است و خود احمد می گوید اگر روایتی در کتاب من نیافتید بدانید آن روایت ریشه و اصل ندارد. آقای ابن اثیر در اسدالغابه دارد، آقای ابن کثیر در البداية و النهاية دارد.

از نظر سند هم عبدالله بن احمد پسر گل پسر آقای احمد بن حنبل، ایشان می گوید برای شما عرض کنم سندش صحیح هست، هیثمی می گوید راویانش ثقه هستند. ابن حجر می آید می گوید رجالش ثقه هست، آقای مقدسی می گوید سندش صحیح هست.

خوب از این واضح تر، از این روشن تر؟!

«اكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعدي، اكتب لكم بأن علي خليفة لن تضلوا بعدي.»

بعد تمام شما به صراط مستقیم می افتید از این واضح تر؟! بعد مسئله ی بعدی، عبارت ی را که حلیة الاولیاء ابونعیم دارد، می گوید:

« و إن تستخلفوا علیا »

اینجا دیگر کلمه ی خلیفه هست.

اگر علی را خلیفه ی خودتان قرار بدهید، خلیفه باشد.

باز هم می گوید «و ما اراکم.» اینجا دیگر باید برای مظلومین پیغمبر گریه کرد. خودشان می گویند گوش به حرف من نمی دهید. نمی دانم باز می گوید

«تجده هادیا مهدیا یحملکم علی المحجة.»

به زور هم که شده شما را بر صراط مستقیم قرار می دهد.

در « محجة البیضاء » قرار می دهد، در ساحل نجات قرار می دهد شما را، خودتان هم نخواهید به زور شما را می رساند به ساحل نجات.

در روایت بزار می گوید

« ان تستخلفوه و لن تفعلوا.»

این دیگر خیلی جالب می گوید علی را اگر خلیفه قرار دهید هرگز نمی کنید و با کلمه ی «لن». که نفی ابد است

«یسلك بكم الطريق.»

شما را به طریق هدایت و صراط مستقیم می رساند.

ملا علی قاری، مسند بزاز، حاکم نیشابوری می گوید:

« و ان ولیتموها علیاً»

اگر علی را ولی امر خودتان قرار بدهید

«فهاد مهتد یقیمکم علی صراط مستقیم.»

دیگر از این واضح تر، از این روشن تر، پیغمبر به چه بیانی بگوید. بفرمایید. حاکم نیشابوری هم می گوید:

« صحیح علی شرط الشیخین.»

شرایط صحیح مسلم و بخاری را دارد.

بابا از این روشن تر پیغمبر با ما سخن بگوید. یا صالحی شامی:

«لو استخلف علینا علیاً [تا] و ان تفعلوا تجدوه هادیا مهدیا.»

یا می گوید در بعضی جاها می گوید:

« و ان ولیتموها علیاً»

این تمام این الفاظ را جناب آقای صالحی شامی در یکجا جمع کرده است. می گوید پیغمبر با عبارت های مختلف

« ان تستخلفوا علیا»؛ « ان ولیتموها علیا»؛ « ان تولوا علیا»؛ « ان تومروا علیا»؛ تمام این ها چی هست « یقیمکم علی طریق مستقیم.» یعنی { اهدنا الصراط المستقیم }

در کتاب سنه ابن ابی عاصم این آقایان می گویند تمام روایاتش صحیح هست حالا در این زمینه انشالله ما، مفصل بحث می کنیم که می گوید پیغمبر اکرم، البته روایت مفصل هست گفتیم که یا رسول الله، پیغمبر گفت می خواهم از دنیا بروم. گفت مثلا کسی را معین کن. گفتیم ابوبکر ساکت شد، گفتیم عمر ساکت شد، گفتیم بعد از این علی فرمود: « لا یفعلون.» علی را خلیفه نمی کنند.

« و لو فعلوا دخلوا الجنة اجمعین.»

همه وارد بهشت می شوند. نمی دانم می گویند در خانه کس هست. دیگر از این ها هم گذشته، یا تعبیری که عبدالرزاق صنعانی دارد که می گوید علی بن ابی طالب می گوید

« والذی نفسی بیده.»

پیغمبر می گوید قسم به خدایی که جان من در قبضه ی قدرت اوست اگر از علی اطاعت کنند:

«لیدخلن الجنة اجمعین اکتعین.»

تمامشان، همگی وارد بهشت می شوند.

المصنف ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني ، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۳ ،

الطبعة : الثانية ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي؛ ج ۱۱، ص ۳۱۸، ح ۲۰۶۴۶

خوب این که بعد از رسول اکرم این قضایای که پیش آمد، علی را کشان کشان بردند، همسرش را به این شکل کتک زدند، جنگ جمل علیه او راه انداختند، جنگ صفین راه انداختند و دیگر جنگ ها. این معنای توصیه ی پیغمبر بود،

«لئن اطاعوه لیدخلن الجنة اجمعین.»

خوب مفهوم مخالفش چی می شود.

ببینید برادران بزرگوار اگر شیعه می آید مطرح می کند. شیعه از کتاب های عزیزان اهل سنت برای خودش دلیل دارد، این بالاترین دلیل حقانیتش است.

حالا ما نمی خواهیم تحقیر کنیم دیگران را، نمی خواهیم کسی هم بیاید قبول کند، اصلا دنبال این ما نیستیم. دنبال یارگیری نیستیم ما به هیچ وجهی دهها، صدها، میلیون نفر هم شیعه بشود ذره ای در اعتقادات ما اثری ندارد. خوشحال هم نمی شویم به هیچ وجهی. از این که اتمام حجت کردیم خوشحالیم.

ولی این را من بگویم برای بینندگان عزیز اگر در یک کفه ی ترازو، یک شیعه را بگذارند که ما توانستیم اعتقاداتش را قوی، محکم مثل فولاد بکنیم که بیاید و بگوید امروز دارم به شیعه بودنم افتخار می کنم این برای ما افتخار هست به این افتخار می کنیم.

این برای ما ارزش هست. اگر در یک کفه یک شیعه بگذارند که اعتقادات شناسنامه ای را تبدیل به اعتقادات استدلالی کرده است در یک کفه بگذارند صد میلیون نفر وهابی شیعه، مسیحی شیعه شده اند والله من کفه ی اول را انتخاب می کنم.

این برای من ارزش دارد، این برای من ارزش دارد. که ما توانستیم اعتقادات بچه شیعه هایمان را به حول و قوه ی الهی کاری بکنیم که آن خانمی که زنگ زده بودم که من قبلا یک وهابی، سنی می دیدم می ترسیدم، فرار

می‌کردم که یک دفعه سوال کند و من نتوانم جواب بدهم. الان دنبال یک وهابی می‌گردم بروم و با او مناظره کنم.

این برای ما ارزش دارد که یک شیعه دارد می‌گوید من امروز به شیعه بودنم افتخار می‌کنم. از کتاب و سنت و ادله‌ی عقلی دهها و هزاران دلیل برای اثبات حقانیت برای شما عرض کنم مذهبش آورده است.

لذا در این قضیه حدیث قرطاس هم که نبی مکرم عصبانی شد به خاطر این که دید چه سرمایه‌ی بزرگی این آقایان از دست دادند. و چه خیانت بزرگی در حق خودشان، در حق آینده‌ی امت اسلامی کردند. و لذا نبی مکرم چی شد؟ غضبناک شد.

نکته‌ی دیگر در اینجا، عزیزان دقت کنند ما بحثمان، بحث علمی هست نه جسارت و نه اهانت. هیچ، دوستان بیایند روی خط، بزرگواری بکنند بحث‌های ما را نقد کنند ما افتخار هم می‌کنیم. بین این که پیغمبر عصبانی شد قرآن می‌گوید

{ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ }

هر چه پیغمبر دستور می‌دهد شما قبول کنید.

{ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا }

ولی پیغمبر اکرم می‌بیند صحابه از این دستور قرآن، تخطی کرده‌اند. اگر غضبناک شد، بیرون کرد به خاطر این که دید این‌ها { وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ } را عمل نکردند { وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ } زیرا پا گذاشتند. صحیح بخاری دارد :

«فذهبوا يردون عليه.»

تند تند به پیغمبر حرفش را بر می‌گرداندند.

پس غضب پیغمبر یک غضب الهی هست. در جای دیگر قرآن می گوید:

{ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ }

تمام سخنان پیغمبر برگرفته از وحی هست ولی این ها گفته اند:

« ان الرسول ليهجر »

پیغمبر هذیان می گوید.

و لذا اگر پیغمبر غضبناک شد بیرون کرد دید این ها سخنان قرآن را زیر پا گذاشتند. و خلاف ادب با پیغمبر برخورد کردند. که این عبارت خود بزرگان شما دارد عینی می گوید

« هذه العبارات كلها فيها ترك الادب. »

حالا آنهایی که گفته اند یهجر، آنهایی که گفته اند. « قد غلبه الهجر » آنها یی که گفته اند «اهجر» امثال آن. هر عبارتی باشد. می گوید تمام این عباراتی که در حدیث قرطاس آمده است چی هست؟ ترک ادب هست.

« و لقد افحش من اتى بهذه العبارة. »

این در حقیقت فحش داده است، کار زشتی کرده، آنهایی که این تعابیر را آورده است.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت؛ ج ۱۴، ص ۲۹۸

نکته ی سوم پیغمبر اگر عصبانی شد قرآن می گوید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ }

صدایتان را بالای صدای پیغمبر نکنید.

و این هم دارد «فاختلفوا و کثر اللغط». «لغط» یعنی جیغ و داد، فریاد کشیدند، پیغمبر اگر عصبانی می شود می بیند این آیه عمل نشد. توجه به این آیه نشد، جلوی پیغمبر آیه قرآن هتک حرمت شد اگر عصبانی می شود به خاطر این «یغضب لله» یا قرآن می گوید:

{فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ}

اگر در یک مسئله ای نزاع دارید برگردانید به خدا و پیغمبر.

این دیگر آیه ی قرآن است اگر به خدا و آخرت ایمان دارید در تمام مواردی که نزاع و اختلاف دارید برگردانید به خدا و پیغمبر. ولی شما بفرمایید. صحیح بخاری «فتنازعوا» صحابه جلوی پیغمبر با هم نزاع کردند. «و لا ینبغی عند نبی تنازع» این دیگر مال ما که نیست مال صحیح بخاری هست حدیث ۳۰۵۳ اگر پیغمبر دارد عصبانی می شود، به خاطر این هست که می بیند این آیه ی قرآن جلوی چشم پیغمبر مورد هتک حرمت شد، عمل نشد. عصبانی می شود. غضبناک می شود می گوید «قوموا عتی» از خانه ی من بروید بیرون. این ها همه ریشه ی قرآنی دارد. این آقایان مثل این که توجه به قرآن ندارند.

نتیجه ی کار جناب آقای اسماعیلی بزرگوار، بینندگان عزیز، پیغمبر آمد عکس العمل نشان داد در برابر مخالفت پیغمبر با دستورش.

یک؛ قلم و کاغذ نیاورند. به پیغمبر نسبت هذیان دادند «یردون علیه». سخن پیغمبر را به او برگرداند. سرو صدا کردند، نزاع کردند و نتیجه، پیغمبر عکس العمل نشان داد. چرا؟

تا در آینده افرادی از این رهگذر دیگر سخنان حضرت را که مطابق با امیال نفسانی خود نیافتند برچسب هذیان نزنند و دیگر احادیث پیغمبر را هم زیر سوال نبرند. یعنی اگر نسبت هذیان دادند «قوموا عتی». خیلی راحت.

ثانیاً؛ حضرت با این برخورد تند، خواست قبح عمل این ها را ثابت کند و حجت را تمام کند و فردای قیامت عذری نداشته باشند.

ثالثاً؛ تا کسی در آینده سکوت حضرت را دلیل صحت عمل زشت صحابه قرار ندهد. نگویند بله پیغمبر ساکت بود، خوب اگر واقعا این عمل صحابه، عمل نادرستی بود پیغمبر چرا انکار نکرد، چرا اعتراض نکرد، چرا عرض کنم عکس العمل نشان نداد.

بابا عکس العمل از این بالاتر، از این بهتر، «قوموا عتی.» از خانه ی من بروید بیرون. جالب اینجاست بینندگان عزیز این جمله را بگویم دیگر انشالله در خدمت بینندگان عزیز باشیم. با این همه که کلمه ی «قوموا عتی.» جمله ی تندی هست عکس العمل تند پیغمبر هست،

و این هم گفته ایم برای «لله» هست، با همه ی این ها، می بینیم بعضی از افراد مثل جناب آقای بیهقی می آید چکار می کند؟ تعبیرش را شما ببینید واقعا من تأسف می خورم، تحجر تا به کجا؟ انجماد فکری تا کجا؟ توجیه احمقانه تا کجا؟ ببینید. می گوید آقا

« فَإِنَّ عَمْرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَكْمَلَ دِينَهُ »

خدا دین خودش را کامل کرده است گفته است: { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ } پیغمبر نمی فهمد نستجیر بالله. ببینید چقدر توجیه، توجیه احمقانه هست. آقا آمده کار خلیفه ی دوم را می خواهد توجیه کند پیغمبر را دارد زیر سوال می برد یعنی پیغمبر متوجه نشد دین کامل شده است. ولی جناب خلیفه چه شد؟ گفت دین کامل شد، و «عَلِمَ» جناب عمر دانست

« انه لا تحدث واقعة الى يوم القيامة الا و في كتاب الله تعالى و سنة رسوله بيانها نصاً أو دلالة »

آقای عمر می دانست هیچ حادثه ای تا قیامت اتفاق نمی افتد مگر در کتاب خدا و سنت پیغمبر بود.

اگر یک بچه ی شش ساله از بیهقی سوال کند، آقای بیهقی شما که می گوئید آقای عمر می دانست تمام مسائل در کتاب و سنت هست. خود عمر گفت «حسبنا کتاب الله.» تو راست می گویی یا عمر راست می گوید؟

خوب بعضی ها هستند یک بنده ی خدایی آمده بود از امام جماعتش تعریف می کرد آقا امام جماعت ما از غیب، کفش هایش چیز می شود، از همه چیز خبر دارد، اتفاقاتی که می افتد همه چیز را می گوید. امام جماعت می گوید نه آقا این ها دروغ می گویند همچین من، همچین ادعایی ندارم. این بابا دید که خیلی چیز شد. گفت آقا، آقای ما نمی فهمد، عقلش نمی رسد، خودش نمی فهمد چی می گوید.

ما می دانیم چی هست. حالا ببینید آقای بیهقی می گوید آقا، آقای عمر می دانست، تمام مسائل در قرآن و سنت هست. خود آقا می گوید: «حسبنا کتاب الله.» یعنی در حقیقت نفی سنت است. این آقا می گوید آقا می دانست چی هست از آن طرف ما در بحث حبل المتین خود جناب خلیفه ی دوم بعد از رحلت پیغمبر، آمد گفت:

« من قال ان رسول الله مات ضربت عنقه»

هر کس بگوئید پیغمبر مرده است گردنش را می زنم.

این منافقین هستند می گویند پیغمبر مرده است، پیغمبر نمرده است مثل حضرت موسی رفته است بر می گردد و تعدادی از مردم را دستشان و پاهایشان را قطع می کند. بعد جناب آقای ابوبکر آمد آقای عمر را آرام کرد، چه خبر هست. قرآن می گوید:

{ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ }؛

{ أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ }

گفت این آیه قرآن است گفت بله. بعد قسم خورد. والله نمی دانستیم همچین آیه ای در قرآن هست. جناب آقای بیهقی بزرگوار، اگر علی از تو در اولین لحظه ی قیامت سوال کند شما که آمده اید همچین تعبیری،

همچین دفاعی کرده اید، آیا با سیره ی خلیفه تطبیق می کند یا نمی کند؟ بحث علمی و توهین هم که نیست. جسارت هم که نمی کنیم. اسم این ها را هم با جناب و حضرت هم می آوریم یک بحث علمی هست آقا آمده گفته، ما هم داریم سوال می کنیم بنده نه، بابا یک نفر عزیز اهل سنت بیاید سوال کند جناب ماموسات بزرگوار، جناب مولوی عزیز، آقای مفتی گرامی، بفرمایید اگر یک نفر از شما سوال کند این توجیه جناب آقای بیهقی، تا چه اندازه توجیه صحیحی هست؟

و عجیب هست در آخر چه می گوید؟ می گوید:

« و فی ترک رسول الله الانکار علیه فیما قال »

این که پیغمبر در برابر سخن عمر هیچ عکس العملی نشان نداد عجیب هست یعنی روز روشن، بیاید بگوید آفتاب نیست. می گوید حضرت رسول هیچ عکس العملی در برابر سخن عمر نشان نداد انکار نکرد، این:

« دلیل واضح علی استصوابه رأیه »

پیغمبر اکرم سخن جناب عمر را قبول کرد. و گفت سخن آقای عمر صحیح هست. من نمی دانم به قول از این جناب آقای سجودی باید سوال کرد که می گوید آقا بعضا، بعضی از آقایان چیزهایی می خورند قلم بر می دارند ایشان بیاید نظر بدهد که جناب آقای بیهقی ما همچنین جسارتی نمی کنیم ولی این آقای کارشناس و متخصص بیاید بگوید.

بابا پیغمبر دارد می گوید « قوموا عتی » از خانه ی من بروید بیرون. و تمام دلیلش را هم آورده ایم. نه پیغمبر اکرم نظر خلیفه را تصویب کرد.

آقا جان من آدم یک دفعه، یک جوابی می دهد که حداقل خودش، زن و بچه اش به ریشش نخندد. با این همه توضیح که ما دادیم این آقا می آید همچنین حرفی، البته این را عبارت را بعضی از آقایان در کتاب صالحی شامی

آمده است در بعضی از کتاب های دیگر هم از جناب آقای بیهقی نقل کرده اند بدون این که حتی رد هم بکنند. خیلی عجیب هست. یعنی واقعاً من تأسف می خورم که اینقدر مغز و ذهن متحجر هست.

واقعا؛ غرض از عزیزان اهل سنت من پوزش می طلبم ما قصد نه جسارت و اهانت داریم بحث، بحث علمی هست. ما اهانت به مقدسات اهل سنت را گناهی بزرگ و نابخشودنی می دانیم همان تعبیر آیت الله العظمی سیستانی شعار ما هست

« لا تقولوا اخواننا من اهل سنت بل قولوا انفسنا اهل سنت.»

نگویید برادران اهل سنت بگویید عزیزان اهل سنت. این ها جان ما، عزیز ما هستند.

ما همه ی بزرگواران احترام می گذاریم و افتخار هم می کنیم. از این که بعضی از عزیزان ما می آیند اینجا واقعا دفاع می کنند ما از دور پیشانی این ها را هم بوسه می زنیم.

مجری:

ممنون و سپاسگزار هستم از شما، جناب استاد قزوینی نکته ای را گفتند من لحظاتی ذهنم مرا به خودش مشغول کرد و برای خودم جالب بود می خواهم شما توی این بحثی که می خواهم مطرح بکنم مشارکت بکنید از طریق پیامک، خوب دوستان همین الان زیرنویس کنند پیامک را،

حضرت استاد فرمودند که اگر صد میلیون حالا تعبیرشان این هست سنی، وهابی یا ادیان و مذاهب دیگر در یک کفه ی ترازو و یک شیعه در کفه ی ترازوی دیگر بیاید و آن چیزی که برای ما ارزش دارد و قیمت دارد و بها دارد این که اعتقادات یک شیعه را ما محکم کردیم، ما راسخ کردیم از حالت شناسنامه ای در آورده ایم این برای ما ارزشش بیشتر از آن هست. درسته!؟

استاد فرمودند حالا یک چیزی از شما می‌خواهم؛ از شما بیننده‌های عزیز، شیعه‌های خوبم می‌خواهم برای من پیامک بدهید آنهایی که این اتفاق در زندگیشان افتاده است با دیدن شبکه‌ی جهانی ولایت، با دیدن برنامه‌ی امامت و ولایت، برنامه‌های مختلفی که از این شبکه نورانی و با فضیلت، نمی‌دانم چند سالی هست که با ما آشنا شده‌اید به ما پیامک بدهید.

البته یک خوشحالی هم دارد که قبل از این که این را من از شما بخواهم دیدم خیلی از عزیزان خودشان پیش دستی کردند و پیامک‌های زیادی را فرستاده‌اند و گفته‌اند به این واسطه ما از شیعه بودن شناسنامه‌ای در آمده ایم اعتقاداتمان محکم شده، سفت شده، حالا می‌توانیم حتی بحث بکنیم.

پس از شما درخواست می‌کنم چه عزیزانی که در ایران اسلامی هستند چه عزیزانی در گوشه و کنار این کره‌ی خاکی هستند با دستان مهربانشان برای ما پیامک بدهند، بگویند واقعا آن اتفاقی در زندگیشان افتاده است به واسطه‌ی برنامه‌های شبکه جهانی ولایت اعتقاداتشان سفت شده، محکم شده، قوی شده، دستشان پر شده از آن چیزی که قبلاً داشته‌اند افزوده شده بر معلوماتشان، و دیگر شیعه، شیعه‌ی شناسنامه‌ای نیست. محکم و راسخ هست و هیچ چیزی نمی‌تواند آن را از جا بکند.

این را می‌خواهم دوستان عزیزم برای ما پیامک بدهند اسمتان را هم بگویند انشالله می‌خواهیم یک اتفاقی بیفتد امشب در برنامه‌ی امامت و ولایت.

دوستان اتاق فرمان بگویند می‌خواهیم یک فاصله‌ای را اگر اجازه بفرمایید. یک فاصله‌ی کوتاهی را داشته باشیم بعد انشالله با افتخار در خدمت دوستان بیننده‌مان خواهیم بود.

اسم قشنگ مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) هم نام حیدرش، هم نام عیش، نام امیرالمومنی با دل‌های ما چه می‌کند این نام، نمی‌دانم.

من خودم که این حس را دارم، این حس را نمی دانم برای شما هم اتفاق می افتد قطعا این اتفاق می افتد این اسم آرامش می دهد به دل انسان، به وجود انسان، من هم که اسمم علی هست تازه خیلی یک حس و حالا بهتری پیدا می کنم حاج آقا، وقتی پدرم و مادرم، می روم خانه اسمم را صدا می کنند علی، دلم می خواهد که دست و پایشان را ببوسم، صورتشان را ببوسم

که چرا این اسم قشنگ را روی من گذاشته اند و افتخار می کنم به این اسم، افتخار می کنم به این راه، به این مسیر، به این ارادت، به این ولایت، همین الان که میان برنامه پخش می شد با خودم فکر می کردم خدایا من می توانم شکر این نعمت را به جا بیاورم هرگز. هرگز نمی توانم. من به خودم به سهم خودم عرض می کنم.

منی دانم شاید شما بتوانید شاکر نعمت ولایت امیرالمومنین باشید من اعتراف می کنم که نمی توانم که اگر همه ی عمرم را سر به سجده بگذارم فقط عبادت خدا را بکنم به واسطه ی همین یک نعمت. آی مردم، آی بیننده های عزیز ما، نعمت تنها سر سفره ی ما نیست، تنها غذا خوردن ما نیست که وقتی سفره را جمع می کنند دستمان را ببریم بالا بگوییم الهی الحمدلله رب العالمین. این ها نعمت هست اما آن نعمت کجا و آن نعمت کجا.

{ثُمَّ لِنَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ }

روز قیامت از نعمت سوال می شود از چی سوال می شود برویم نگاه کنیم روایت را که ائمه چی فرموده اند آن نعمتی که از آن سوال می شود چی هست؟ خودتان فکر کنید.

من به سهم خودم عرض می کنم خداوند متعال را شاکر و سپاسگزار و این عشق و ارادت که در دل های ماها هست به واسطه ی نام امیرالمومنین علی (علیه السلام) دعا کنید انشالله هم زیارت کربلا به زودی نصیب ما بشود و دعا کنید در حق عزیزانی که هنوز نرفته اند، نجف، آن صحن با صفا، آن ایوان با صفای نجف خدا نصیبتان بکند و فقط بنشینید آنجا و به قد و بالای ضریح مولا نگاه بکنید و کیف کنید و لذت ببرید. انشالله نصیبتان بشود.

خوب من یک نگاهی به پیامک ها داشته باشم بعد خدمت عزیزان باشیم من خیلی از شما ممنون هستم، مخلص تک تکتان هم هستم، دستتان را هم می بوسم که لطف کردید با دستان مهربانتان برای من، برنامه ی ما ،

بخشید بعضی وقت ها می گویم من، نه این که بخوادم بگویم ما، یکدفعه می شود من، و الا خدا این منیت را از ما بگیرد. منظور شبکه ولایت و برنامه امامت و ولایت، و گرنه از این کلمه من خیلی خوشم نمی آید بعضی وقت ها، بعضی از مجری ها به کار می برند خودمم دچارش شدم حاج آقا، بخشید دیگر.

عرض کنم که از شما خواستم بگویید که واقعا چطور از حالت شیعه ی شناسنامه ای در آمده اید و این ولایت سفت شده، محکم شده، مثل کوه احد استوار شده، خیلی ها با دستان مهربانشان زحمت کشیدند پیامک فرستادند من فقط چندتایش را می خوانم.

همین جا از شما حلالیت می طلبم جداً نمی شود واقعا فرصت نیست آقای عباس شیر محمدی گفته اند حاج آقا به برکت شبکه ی ولایت به حدی اطلاع دینی آموختم که من خودم آماده ام از کتاب های خود اهل سنت ثابت کنم که شیعه بر حق هست.

سلام به شمایی که توی این دنیای بی وفا عشق حضرت علی و زهرا و فرزندانشان را در دل های ما می کارید امروز به برکت شبکه ی شما به شیعه بودنم می بالم، ۹۱۳۰۰۰۴۵۱۳ . چه اشکالی دارد که اسم قشنگتان را برای ما بگو، برادر عزیز، خواهر بزرگوار، اسم هایتان را بفرمایید ممنون می شویم از شما.

سید بزرگوار دکتر حسینی قزوینی سلام. ما فقط اسم مسلمانی داشتیم ولی به برکت شبکه ولایت و عنایت حضرت زهرا با اسلام آشنا شدیم خدا به شما توفیق بدهد. دیگر حالا من شماره هایشان را نمی خوانم. چون اسمشان را نگفته اند از شما ناراحت می شود که فقط شماره می دهید اسمتان را هم بگویید.

سلام وقت به خیر، خدا را شکر بنده به برکت شبکه ی ولایت نمازم را مرتب می خوانم الهی شکر، الهی شکر که نمازت را مرتب می خوانید که انشالله همیشه، با این نماز به همه جا خواهی رسید. سلام بر شبکه ی ولایت و شبکه ی آقاییم علی. چه قشنگ گفته اند آره این شبکه ی مولاست که جان تمامی جهان به فدایش باد. الهی .

گفته اند که حاج آقای قزوینی پیشتر دعاهای سر نماز این بود که خدایا معرفت و محبت و ولایت آقا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در دل ما و همه ی مردم روز زمین بگرداند که این دعا به برکت شبکه ی ولایت دارد محقق می شود. الهی شکر. آقای حسین استواری مقدم از استان فارس، از دیار شیراز.

عرض کنم حالا بعضی از عزیزان دیگر هم لطف کرده اند من فقط یک چند تا اسم بخوانم آقای رامتین ۲۲ ساله از ساری، گفته اند خیلی چیزها یاد گرفتند. آقا رضا از گرگان، آقا داود آذربار از شیراز، بازنشسته ی نیروی هوایی هستند. عرض کنم به حضور انور شما که به خدا قسم من راجع به ولایت امام علی (علیه السلام) چیزهای زیادی نمی دانستم ولی الان دنبال سنی ها و وهابی ها می گردم تا با روایت هایی که از شبکه ی ولایت یاد گرفته ام و حفظ کردم ولایت امیرالمومنین را از کتاب های اهل سنت ثابت بکنم. ۹۳۹۰۰۰۱۹۳۴ و خیلی از عزیزان دیگر از این دست جملات نوشته اند. جواد احمدی عزیز ایشان هم گفته اند ایمانم مثل کوه شد. عزیز ۹۱۸ انشالله همیشه این ایمان استوار بماند.

آقای هومن سلیمانی نیا از شیراز همین عبارت را من با دیدن شبکه ی ولایت به شیعه بودنم افتخار می کنم ما هم به شما افتخار می کنیم. آقا سید مهدی شاهرخی از خرم آباد لرستان. به به صد در صد که این جور بوده، به علی قسم که با مدرک سیکل شدم استاد دانشگاه. احسنت به شما.

عرض کنم آقای شهرکی از زاهدان به امید فرج دعا کرده اند و خیلی از عزیزان دیگر مهدی دلامی از اهواز، گفته اند حاضرم با بزرگان وهابی مناظره کنم درود بر شما، و خیلی از عزیزان دیگر که حالا انشالله من به شما قول می دهم که در فرصت بعدی پیامک های شما را بخوانم. امیدوارم که از ما دلگیر نشوید.

دوستانم در اتاق فرمان گفتند فرصت برنامه ی ما امشب کم هست. نمی دانم حالا علتش چی هست می خواهیم صحبت های پایانی حضرت استاد را داشته باشیم.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. تشکر می کنیم از بیننده های عزیز و گرامی که با این پیامک های نورانی شان باعث می شوند ما اولاً خستگی مان از تن مان در بیاید و در مسیری که قرار گرفته ایم ما هم استوارتر باشیم.

نه تنها بینندگان ما در اعتقادات ولایی شان با این برنامه ها مثل کوه استوار شده اند، ما هم در ادامه ی این برنامه ها به حول و قوه ی الهی مثل کوه استوار خواهیم بود ما که از همان روزهای اول اعلام کردیم که آقا این شبکه هایی که مدعی خلاصه حقانیت هستند و شیعه را باطل می دانند اگر واقعا راست می گویند خوب بیایند به قولی چهره به چهره با هم به قولی استودیو به استودیو، سیگنال به سیگنال با هم بنشینیم مناظره بکنیم ما حرفمان را بزنیم. آنها هم حرفشان را بزنند داوری را هم به عهده ی بینندگان بگذارند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی چندین بار در برنامه ی زنده ای که در این شبکه داشتند گفته اند من آمادگی دارم مفتی اعظم عربستان سعودی، یا دیگر مفتیان سطوح عالی بیایند با هم مناظره کنیم. حضرت آیت الله سبحانی و دیگر مراجع ما بارها اعلام کرده اند ولی ما تا به حال نشنیده ایم که یکی از مفتی هایان سران وهابی، اعلان مناظره کنند. همین قضیه کاملا واضح و روشن هست. پیغمبر اکرم با صراحت می گوید:

{ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ }

ما یا شما در هدایت و گمراهی هستیم.

آقایان کفار، یا شما در هدایت هستید ما گمراه بیاید با هم بحث کنیم، ثابت کنیم یا ما در هدایت هستیم شما گمراه، بیاید با هم بحث کنیم. دیگر از این واضح تر، از این روشن تر.

یک حق بیشتر نیست. علی ای حال؛ این آقایان که خوب نیامدند. البته جناب آقای حیدری، البته ایشان گفت کسی اعلام نکرد ما عذر می خواهم این نسبت به جناب آقای حیدری صادق نیست. ایشان یک دفعه گفت من حاضرم مناظره کنم دوباره پشیمان شد دوباره گفت نمی دانم در رابطه با ازدواج ام کلثوم با عمر حاضرم. بعد اتفاقی افتاده تمام شده رفته به ما چه مربوطه، بعد گفت حاضرم، بعد آخرش هم ایشان افاضه فرمودند ما از آقای قزوینی می ترسیم، از عکس آقای قزوینی هم می ترسیم.

البته ما گناهکار که نشدیم برای شما کلمه ی قزوینی پسوند اسم ما شده است. ما گفته ایم آقا ما سبزواری هستیم، قزوینی نیستیم جناب آقای حیدری، ما در خدمت شما هستیم. این که شما می ترسید قزوینی یا مکارم یا سبحانی ترس ندارد. منطق شیعه هست که بر گرفته از منطق اهل بیت هست این ها را می ترساند. می دانند آمدن به میدان مناظره همان، رسوا شدن همان. حالا رسوایی برایشان خیلی مهم نیست اینها خیلی برای آبرویشان من گمان نمی کنم خیلی زیاد ارزش قایل بشوند. می ترسند آن آقایانی که هزار برابر معلمی آنجا دارند حقوق می گیرند، این حقوق از دستشان برود، این پول های باد آورده ای که خلاصه از طریق عربستان سعودی، جاهای دیگر می آید برای آقایان، از این می ترسند، یعنی عمدتاً همین هست.

خوب در بعضی از قضایا مسایل پیش آمد و غیره، برادر عزیزمان، سرور گرامی مان، خطیب توانا جناب انصاریان که خوب ما خدمتشان هم ارادت خاصی داریم. ایشان تقریباً دو سال قبل صبح ها که می رفتیم فیضیه برای درس خارج فقه مقارن، بزرگوار هم آنجا روزهای یک ربعی در دفتر اساتید خدمتشان بودیم ولی خوب ایشان جای درس و تدریسشان عوض شده است پارسال و امسال محروم بودیم.

یک مطالبی از این بزرگوار بود این آقایان مرتب بوق و کرنا و نمی دانم ما حاضریم برای مناظره و چنین و چنان، خودشان بیانیه خیلی عالی داد. من به نظرم می گویند در خانه کس هست یک حرف بس است. گرچه البته بیانیه ای که ایشان دادند پاسخ دادند به نظر من سوره ی یس خواندن بود. مشخص هم بود قضیه چی هست.

خوب ایشان گفت آقا شما به آن کاسب شیعه یک مناظره ای شروع کرده اید و الحق و الانصاف من یکی دو مرتبه نگاه کردم و متنش را هم پیاده کردم من واقعا لذت بردم.

مجری:

هر موقع توانستند جواب آن کاسب را بدهند تازه حضرت آقای انصاریان یکی از مخاطبین و پا منبری هایش را تازه می فرستد.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

و من به نظرم پا منبری های ایشان هم برای آنها خیلی زیاد هست الان بچه های هشت، نه ساله ی ما آماده هستند. فاطمه خانم دختر نه ساله از یزد

و یا دیگر عزیزان ما بیایند با این ها مناظره کنند. و ما از این برادر بزرگوارمان، تقاضا کردیم که امشب در استودیو شبکه ی جهانی ولایت حضور پیدا کنند. و برادر عزیزمان جناب آقای ابوالقاسمی هم هستند و یکسری توضیحاتی نسبت به فرمایشاتشان دارند و بنده هم به عنوان مسئول این شبکه از جناب آقای خدمتی که مسئول شبکه هستند و اولین توهین را به جناب آقای انصاریان را ایشان روا داشتند، افترا چند مورد بستند که نمی دانم ایشان برای شما عرض کنم زنان پیغمبر گفته است بی ناموس و غیره . تمام این ها افترا بود البته از این ها خارج از این چیز نیست.

خود ذهبی در نامه اش به ابن تیمیه می گوید بیشتر پیروان و آنهایی که دنبال سر تو هستند احمق هستند، کودک هستند، برای شما عرض کنم عقل درست و حسابی نکنند، خل و چل هستند، این ها مکار و حيله گر و دغل باز هستند واقعا ذهبی خوب هم ابن تیمیه را شناخته، هم پیروان ابن تیمیه را شناخته است.

حالا انشالله از بینندگان عزیز هم من تقاضا می کنم پای گیرنده ها باشند. انشالله بعد از یک فاصله ی خیلی کوتاه، انشالله، برادر عزیزمان استاد و خطیب توانا جناب آقای انصاریان همراه با جناب آقای ابوالقاسمی انشالله مهمان خانه های شما خواهند بود. از همین اکنون من دعوت می کنم اگر واقعاً آقای خدمتی راست می گوید. چون اولین کسی که به ایشان حمله کرد ما امشب، برنامه را حاضریم نصف تلویزیون شبکه ی ولایت را تصویرش را بدهیم به جناب آقای خدمتی، نصفش در اختیار جناب آقای انصاریان. هذا کوه و هذا میدان دیگر.

می گفتن در همدان که بودم کردها را مثلاً ، پنجاه متر، پنجاه متر. حالا همدان دور، گردوش نزدیک. به قول کسی پرویز رفت بود کتک خورده بود آمده بود تقریباً بعد از به قولی هزار و پانصد کیلومتر این طرف بالا پشت بام فحش می داد، خانم گفت چی هست، خون می خواهی به پا کنی؟ حالا این ها اگر واقعا نمی خواهند دفاع کنند و غیره؛ حاضرند واقعاً بیایند ما آمادگی داریم.

چون این ها که مناظره دم می زنند بینندگان عزیز، این مناظره نیست این دغل بازی هست، این شیطنت هست، افرادی را می خواهند بیاورند آنجا، من اتفاقاً گوش می کردم چند شب قبل، که یکی از پامنبری های جناب آقای انصاریان به عنوان آبدارپی. گفت آقا من افتخار دارم آب دست جناب آقای انصاریان می دهم. حتی اجازه ندادند ایشان یک دقیقه حرف بزنند. یک دقیقه حرف نزد. مرتبه ی دوم آمد یک آیه خواند:

{ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَعْجِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ }

ثابت کرد تمام وهابی ها منافق هستند، تمام کسانی که مخالف با توسل هستند منافق هستند با همان یک آیه تمام تله ی وهابی ها را ایشان اثبات کرد ولی به جای این که جواب بدهند شروع کردند فحاشی کردن.

ما دیگر بیش از این عزیزانمان را انشالله معطل نمی گذاریم، ما همگی انشالله خلاصه مهمان خلاصه خانه های شما هستیم و امشب هم نوبت این عزیزمان هست. اگر حضرتعالی هم برنامه ای، نکته ی خاصی دارید در خدمتیم .

مجری:

عرضی نیست، عرضی نیست. دست شما درد نکند یک چند تا دعا هم بفرمایید که حسن ختام جلسه ی امشبمان باشد.

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقیه الله الاعظم نزدیک بگردان، قلب مقدسش از ما راضی بگردان، ما را از یاران خاص آن نازنین وجود قرار بده، رفع گرفتاری از همه ی گرفتاران بنما، حوائج حاجتمندان روا فرما، دعاهاى ما را به اجابت برسان، و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

مجری:

خیلی متشکرم، دوستان بیننده از شما هم ممنون و سپاسگزار هستم، خیلی پیامک برای ما آمد که اصلا نمی دانم کدام پیامک را باید بخوانم. ولی نگران باشید انشالله در هفته ی آینده و برنامه ی امامت و ولایت تک تک اسم های شما را می خوانم به هر مقداری که فرصت شد باز هم فرصت دارید که در واقع پیامک بدهید برای ما، و خیلی خوشحال هستیم از این که عشق و محبت مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در دلمان هست و فردا هم جمعه و متعلق به وجود مقدس آقایمان امام زمان (علیه السلام).

آن سفرکرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش.

اللهم عجل لولیک الفرج. خدا نگه دار.